

نویسنده: تریتا فارسی «Trita Farsi».

منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2022-06-18».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

سیاست **بایدن** به طور فزاینده ای شبیه استراتژی ترامپ در خاورمیانه است

Biden's Policy Increasingly Looks Like Trump's Middle East Strategy



یک معترض با لباس محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی و دیگری با لباس دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، همراه با اعضای گروه CodePink در بیرون کاخ سفید در 19 اکتبر 2018 در پی ناپدید شدن جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار سعودی تظاهرات کردند. (عکس (Win McNamee/Getty Images):

تمام عناوین و سرمقاله های اخیر درباره سفر **جو بایدن**، رئیس‌جمهور ایالات متحده به عربستان سعودی، مبنی بر توافقی برای کاهش قیمت گاز متمرکز است. اودر حقیقت، در حال انجام محاسبات ویا اقدامات بسیار شوم و خطرناک تر از آن چیزی است که بسیاری تصور می کنند: طبق گزارش ها، او قصد دارد به دیکتاتورهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی - جایی که همه تروریست های 11 سپتامبر از آنجا آمده بودند -

یک پیمان دفاعی پیشنهاد کند. که جان آمریکایی ها را برای دفاع از رژیم هایشان متعهد می کند. چه چیزی می تواند درست پیش برود؟

وقف جان آمریکایی ها برای دفاع از این دیکتاتورهای عربی بسیار رسواتر از دست دادن و یا دست شوردادن شرم آورریس جمهورایالات متحده با ولیعهد سعودی است زمانی که **بایدن** برای ورود به کاخ سفید بخاطر احرار به مقام ریاست جمهوری خود را نامزد کرد، متعهد شد که سیاست خاورمیانه ای **دونالد ترامپ**، رئیس جمهور وقت آمریکا را زیر پا بگذارد: نیروهای آمریکایی را از خاورمیانه به خانه باز میگرداند، توافق هسته ای ایران را تمدید میکند، به جنگ در **یمن** پایان میدهد، و «سعودی ها را منزوی و منفور میکند. یعنی آنها بی که هستند». اما پس از امتناع از انجام اقدامات لازم برای بازگشت به توافق با ایران، و با شایعات فراوان مبنی بر پیشنهاد او به امارات و عربستان سعودی بخاطر انعقاد یک پیمان دفاعی، اقداماتی است که سیاست **بایدن** به طور فزاینده ای به عنوان ادامه راهبرد ویا استراتژی خاورمیانه ای **ترامپ** به نظر می رسد.

بایدن نه فقط **محمد بن سلمان** ولیعهد عربستان را به خاطر نقش مستقیمش در گردن زدن ویا سر بریدن **جمال خاشقجی**، سرمقاله نویسن در ستون روزنامه واشنگتن پست در ازای وعده عربستان برای پمپاژ نفت بیشتر نمی بخشد. بلکه همانطور که **بایدن** هفته گذشته اعتراف کرد که در عربستان سعودی جلسه ای برگزار می شود. که اتفاقاً این یک جلسه بزرگتر است و دلیل رفتن من به عربستان سعودی به همین دلیل است. افزون بر آن **بایدن** گفت که این سفرش به خاورمیانه در باره امنیت منطقه و به ویژه در باره اسرائیل است. **بایدن** در 12 جنوری به خبرنگاران گفت بود: "تعهدات سعودی ها به هر چیزی که با انرژی متعلق باشد مربوط نمی شود". بلکه این خود برای امنیت ملی آنها - و برای اسرائیلی ها ارتباط میگیرد.

ماههاست که شایعاتی ویا بگو مگو در واشنگتن به گوش می رسد مبنی بر اینکه **بایدن** به دنبال گسترش ابتکار سیاست خارجی توشیح شده توسط **ترامپ** است که بنام **توافق ابراهیم** - نامیده شده است که روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و بحرین و امارات را عادی می کند. **بایدن** می خواهد عربستان سعودی را به توافقی مشابه به **توافق ابراهیم** با اسرائیل بکشاند. جزئیاتی در مورد چگونگی تلاش او برای ترغیب عربستان سعودی به برداشتن گامهای حیاتی در جهت به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی عربستان سعودی شروع شده است و نگران کننده ترین آنها این است که ایالات متحده یک پیمان امنیتی بزرگی را به رژیم های خودکامه در عربستان سعودی و امارات پیشنهاد و ارائه می کند. به گفته یک منبع نزدیک که به حاکم یافرمان روای امارات گفته است، این یک "پیمان همکاری دفاعی استراتژیک الزام آور" است و فراتر از هر چیزی است که ایالات متحده قبلاً در منطقه با آن موافقت کرده است. **دیوید شاپیرو**، مشاور سابق **بایدن**، به مجله نیوزویک تایید کرد که عربستان سعودی به دنبال تضمینی است مبنی بر اینکه ایالات متحده با حضور نظامی قابل توجهی در منطقه غرض کمک و تامین امنیت به عربستان سعودی در زدودن و در مقابل با تهدیداتی که از سوی **ایران** با آن مواجه است" قول

و قرار اش را حفظ خواهد کرد و همچنین از جنگ هولناک عربستان سعودی بر علیه **یمن** جانبداری نیز خواهد کرد.

وقف جان آمریکایی ها و یا قربانی دادن آمریکایی ها برای دفاع و یا حمایت از این دیکتاتوری های عربی بسیار رسواتر از دست دادن شرم آور ریاست جمهوری یا رییس جمهور آمریکا با ولیعهد سعودی است **بایدن** در یک لحظه آن تمام وعده های خود را مبنی بر بازگرداندن نیروها نظامی ایالات متحده از خاورمیانه به خانه، و مجبور کردن عربستان سعودی بخاطر پرداخت به بهای نفت و پایان دادن به جنگ در یمن را زیر پا میگذارد.

احتمالاً، منظور از پیمان دفاعی تقویت فروش تسلیحات بایدن دلیلی است که او تعهد خود را برای بازگشت به توافق با ایران نیز زیر پا می گذارد، تعهدی که او باید سپاه پاسداران ایران را از فهرست تروریستی ایالات متحده حذف میکرد که در آن صورت موجب خشم اسرائیل و عربستان سعودی میشد. که به این صورت نخواست تا پیمان دفاعی را به خطر بیندازد.

برای ایالات متحده، این یک معامله وحشتناک است. همه اینها دادن و نه گرفتن است، زیرا هیچ یک از آنچه کشورهای خلیج ارائه می دهند احتمالاً به نتیجه نمی رسد. برای شروع، برقراری روابط دیپلماتیک کامل با اسرائیل امتیازی برای اسرائیل است، نه برای ایالات متحده، امنیت ایالات متحده را یک ذره ارتقاء نمی دهد. همچنین صلح را برای اسرائیل و فلسطین، یا ثبات به خاورمیانه را به ارمان نمی آورد، چیزی که تجربه تاکنون در مورد توافق نامه ابراهیم ثابت کرده است. در واقع، صلح واقعاً هدف نیست. در عوض، طبق سند راهبردی سالانه **جارد کوشنر** در آگوست 2021 موسسه صلح آبراهام، هدف "حرکت فراتر از درگیری اعراب و اسرائیل" است

با این روح، دولت **بایدن** اسرائیل را برای امتیاز دادن به فلسطینی ها به عنوان بخشی از این توافق تحت فشار قرار نداده است. در عوض، **بایدن** از اسرائیل خواسته است که از هرگونه اقدام تحریک آمیز در کرانه باختری و اورشلیم اشغالی که می تواند به تنش ها قبل از سفر وی دامن بزند، خودداری کند. پس از پایان سفر **بایدن**، احتمالاً هیچ مخالفتی با سرکوب مداوم فلسطینیان توسط اسرائیل نخواهد داشت در واقع، الحاق خزنده (به اصطلاح عامیانه همچو چار گاوک) اسرائیل به اراضی فلسطین از زمان امضای توافق نامه ابراهیم سرعت گرفته است. همانطور که **زاهای حسن** و **مروان معشر** در فارن افرز می نویسند، "حقیقت این است که این توافق نامه ها صلح را در خاورمیانه پیش نبرده است، زیرا هدف اسرائیل از امضای این توافق نامه، هدایت مجدد توجه جهان به سمت اشغال نظامی خود بود، نه پایان دادن به آن".

این دستورالعملی برای صلح نیست، بلکه برای خشونت است. جای تعجب نیست که طی سه ماه اول سال جاری، نزدیک به 50 فلسطینی توسط اسرائیل کشته شده اند و فلسطینی ها 18 اسرائیلی را کشته اند. تلفات فلسطینی ها نسبت به مدت مشابه سال قبل پنج برابر شده است، در حالی که افزایش نسبی تلفات اسرائیلی ها حتی بیشتر است.

ثانیاً، قمار **بایدن** نیز بعید به نظر می رسد که قیمت های سرسام آور بنزین را کاهش دهد. کارشناسان تردید دارند که **سعودی** ها به اندازه کافی ظرفیت استفاده نشده را برای

کاهش قابل توجه قیمت گاز آمریکا داشته باشند. ریشه مشکل، اتکای بیش از حد واشنگتن به عربستان سعودی است - وابستگی که تنها با نزدیک شدن **بایدن** به پادشاهی وهابی به بهای تنوع بخشیدن به روابط آمریکا در خاورمیانه، به ضرر منافع ایالات متحده بیشتر خواهد شد. به عنوان مثال، **ایران** حدود **85 میلیون** بشکه نفت ذخیره شده در خشکی فراساحل دارد که می تواند تقریباً فوراً در بازار عرضه شود، البته با این فرض که **بایدن** به توافق هسته ای ایران بازگردد.

ثالثاً، پیمان دفاعی **بایدن** به احتمال زیاد خاورمیانه را به طور کلی امن تر نمی کند. **توافق نامه آبراهام** - برخلاف ادعاها مبنی بر اینکه این یک رویکرد جدید خلاقانه برای امنیت در خاورمیانه است - استراتژی چهاردهه شکست خورده آمریکا در منطقه را ادامه می دهد: سازماندهی منطقه حول هدف انزوا و مهار **ایران**. همانطور که خود مقامات **بایدن** اعتراف کرده اند، این استراتژی به جای نیرویی برای ثبات، منبع درگیری در منطقه بوده است. **راب مالی**، فرستاده **بایدن** در **ایران** در اواخر سال 2021 گفت: «بیشتر ناسامانی های منطقه ریشه در محرومیت **ایران** دارد».

محتمل ترین نتیجه دیدار **بایدن** با ولیعهد این است که عربستان سعودی و امارات امتیازات فراوان **بایدن** را به جیب بزنند... در حالی که گزینه های خود را برای خیانت به واشنگتن باز نگه می دارند.

سازماندهی مناطق بقیه علیه **ایران** موهبتی یا لطفی برای تولیدکنندگان اسلحه خواهد بود، اما امنیت ایجاد نمی کند. **ایران** در حال حاضر به طور گسترده توسط عربستان سعودی، اسرائیل و امارات صرف تسلیحات و دفاع می کند و تعهد آمریکا به دفاع از این کشورها در واقع سیاست های خارجی آنها را در گذشته تهاجمی تر و ریسک پذیرتر کرده است. **ایران** در مواجهه با یک جبهه متحد اسرائیل، آمریکا، عربستان سعودی و امارات، در بحبوحه کارزار فزاینده اسرائیل برای ترور مقامات ایرانی، ممکن است تصمیم سیاسی برای ساخت بمب هسته ای بگیرد (سرویس های اطلاعاتی آمریکا، اروپا و اسرائیل همگی متفق القول هستند که ایران تاکنون چنین تصمیمی نگرفته است).

شاید مهمترین تعهدی که ایالات متحده به دنبال برداشت یا کسب از **عربستان سعودی** و **امارات** است، همسویی با استراتژی آمریکا برای مقابله با **روسیه** و **چین** باشد. **شاپیرو** به نیوزویک گفت: «سعودی ها تعهدات خاصی را در خصوص همسویی کامل با ایالات متحده در رقابت با **روسیه** و **چین** خواهند داشت. اما چیز کمی وجود دارد که نشان دهد استراتژی **بایدن** برای دادن امتیاز به ولیعهد سعودی و حاکم امارات متحده عربی، **محمد بن زاید**، باعث تعهد پایدار سعودی-اماراتی به طرف آمریکا بی در رقابت قدرت های بزرگ قرن حاضر شود».

ولیعهد سعودی یک خط سازشناپذیر با **بایدن** را در پیش گرفته است - و پیروز شد. او یعنی ولیعهد سعودی در مرحله ابتدایی ریاست جمهوری **بایدن** از تعامل با **بایدن** خودداری یا شانه خالی کرد. او به آتلانتیک گفت: «من اصلاً اهمیتی نمی دهم» و صبورانه منتظر ماند تا **بایدن** غار رکنند یا برای خود مغاره سراغ کند. سعودی ها شرایط سفر **بایدن** را دیکته می کنند و **بایدن** را مجبور می کنند تا قبل از اینکه اجازه ملاقات با

سایر مقامات سعودی را پیدا کند، ولیعهد را ببیند. اعطای بیشتر به ولیعهد احتمالاً او را انعطاف پذیرتر نمی‌کند، زیرا تحقیقات **پاتریشیا سالیوان**، **براک تسمن** و **شیائوجون لی**، دانشمندان علوم سیاسی نشان می‌دهد که «افزایش سطح کمک‌های نظامی ایالات متحده به طور قابل توجهی رفتار سیاست خارجی همکاری با ایالات متحده را کاهش می‌دهد.

محتمل‌ترین نتیجه دیدار **بایدن** با ولیعهد این است که عربستان سعودی و امارات امتیازات فراوان از سوی **بایدن** را به جیب بزنند و در کوتاه مدت همکاری تاکتیکی را علیه روسیه و چین ارائه دهند و در عین حال گزینه‌های خود را برای خیانت به واشنگتن در مسیر بازنگه دارند. اگر آنها واقعاً معتقد بودند که نباید در این رقابت با چین و روسیه شرط بندی کنند، برای همسو شدن با ایالات متحده به این همه امتیازات آمریکایی نیاز نداشتند. از همان لحظه‌ای که **باراک اوباما**، رئیس‌جمهور وقت آمریکا توافق هسته‌ای ایران را منعقد کرد، اسرائیل، عربستان سعودی و امارات با آن مخالفت کردند و از ترتیبی که ایالات متحده را بیشتر به خاورمیانه و به نفع امنیتی خود پیوند می‌داد، ترجیح دادند. **ترامپ** با خروج از توافق ایران و امضای توافقنامه **آبراهام**، اولین گام‌ها را برای تن دادن به خواسته‌های این کشورها برداشت. **بایدن** اکنون در حال تکمیل کاری است که **ترامپ** آغاز کرده است.



چند سطر در مورد نویسنده :

ریتا پارسی معاون اجرایی موسسه کوینسی و کارشناس روابط ایران و آمریکا، سیاست خارجی ایران و ژئوپلیتیک خاورمیانه است. او نویسنده کتاب «از دست دادن یک دشمن - اوباما، ایران و پیروزی دیپلماسی» است. یک پرتاب تا س - دیپلماسی اوباما با ایران؛ " و «اتحاد خائن: معاملات مخفی اسرائیل، ایران و ایالات متحده».

----- **با تقدیم احترامات «2022-06-20»**